



۲۰۱۵/۱۲/۲۵



تیمور شاه تیموری

دم غنیمت

باز آ به غمگساری من تا که زنده ام
افسوس میخوری چو بدانیکه مرده ام
این دم غنیمت است اگر یاد من کنی
زیرا که در نبود رخت دل فسرده ام
آن روز را به زندگی ام کی کنم شمار
تا از شراب الفتی جامی نخورده ام
گویم حقیقتی و کنم درد دل عیان
گاهی ز تیر ناز بتان سر نبرده ام
آن لیلی وش ز سوز دلم تا شود خبر
مجنونم و سری به بیابان سپرده ام
مفتون روی یار چنانم که هر زمان
در دوری اش دقایق پر غم شمرده ام

"تیمور" به فکر آنکه شود یار، مهربان
عمری بسر به صحبت اغیار برده ام